

فرایندهای واجی^۱ همخوانی^۲ در گویش کردی کلهری

عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا^۱، الهام ثباتی^{*۲}

۱. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۹۲/۱/۱۹

دریافت: ۹۱/۸/۱۲

چکیده

هدف از نگارش این مقاله، شناسایی برخی از مهم‌ترین فرایندهای واجی موجود در همخوان‌های گویش^۳ کردی کلهری براساس «چارچوب واج‌شناسی زایشی» است. برای این کار داده‌هایی از سیزده گویشور بومی در همه رده‌های سنی و مقاطع تحصیلی، از بی‌سواد تا تحصیلکرده، از طریق مصاحبه جمع‌آوری شده است. همچنین یکی از نگارندگان، گویشور^۴ این گویش است. در انجام این پژوهش از منابع مکتوب مانند پایان‌نامه، مقاله و کتاب‌های دیگر در این زمینه به‌عنوان پیشینه پژوهش استفاده شده است. داده‌ها بر مبنای الفبای آوانویسی بین‌المللی «آی‌پی‌ای»^۵ آوانگاری شده‌اند و روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. در این مقاله با بررسی داده‌ها انواع فرایندهای واجی، همچون همگونی، حذف در جایگاه میانی و پایانی، درج آغازی و میانی، تضعیف، تقویت و قلب بررسی شده‌اند. «حذف» و «تضعیف» پرسامدترین فرایندهای واجی در این گویش هستند و «درج» کم‌سامدترین فرایند واجی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: کردی کلهری، واج‌شناسی زایشی، حذف، تضعیف، درج.

۱. مقدمه

در این پژوهش مهم‌ترین فرایندهای واجی گویش کردی کلهری دهستان آسمان‌آباد، از توابع شهر ایلام را توصیف و تحلیل می‌کنیم. لفظ کلهر از دو بخش «کل» و «هور» یا «هَر» تشکیل شده است. این واژه با تلفظ‌های متعدد، مانند کلهور، کلهر و کلر در منابع مختلف آمده است. در زبان محلی تلفظ سوم (کلر)، رایج‌تر است. در واژه‌نامه‌ها کل به معنای «آهوی کوهی نر» و هور یا هَر به معنای «خورشید و آفتاب» آمده است (گودرزی، ۱۳۸۱: ۲۳). در نمودار زبان‌های ایرانی،

این گویش یکی از گویش‌های شاخهٔ کردی جنوبی به شمار می‌آید. کردی جنوبی شاخه‌ای از گویش‌های جنوب غربی زبان‌های ایرانی نو محسوب می‌شود و خواهر زبان فارسی است و با آن ریشهٔ مشترک دارد (کلباسی، ۱۳۸۸: ۳۵). جمعیت شهر «آسمان‌آباد» در سال ۱۳۹۰، حدود بیست هزار نفر بوده است (پایگاه اینترنتی مرکز آمار ایران). روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است؛ به این صورت که داده‌هایی از سیزده گویشور بومی در همهٔ رده‌های سنی و مقاطع تحصیلی، از بی‌سواد تا تحصیلکرده را از طریق مصاحبه جمع‌آوری کردیم. بعد از اتمام مصاحبه چند ساعتی را با گویشوران به گفت‌وگو پرداختیم تا صحت داده‌های آن‌ها را بدون اینکه متوجه بشوند بسنجیم، سپس یکی از نگارندگان به‌عنوان گویشور بومی صحت آن‌ها را تأیید یا رد کرد. در پایان بعد از اطمینان از صحت داده‌ها، آن‌ها را با استفاده از الفبای «آی‌پی-ای» آوانویسی کردیم. از آنجا که این دو زبان تا دوره‌ی پهلوی نیای مشترکی داشته‌اند، زبان پهلوی را برای تعیین صورت زیرساختی آن دو به صورت ساخت زیربنا در نظر گرفته‌ایم و برای درک چگونگی روند تغییرات برای خوانندگانی که با گویش کردی کلهری آشنایی ندارند، داده‌های پژوهش را با زبان فارسی معیار مقایسه کرده‌ایم. پرسش‌های مورد بحث در این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. ساختمان هجا در گونهٔ کردی کلهری در مقایسه با فارسی معیار چگونه است؟
۲. چه نوع فرایندهای واجی در گونهٔ کردی کلهری وجود دارد؟
۳. در کردی کلهری چند عدد همخوان و واکه، در مقایسه با فارسی معیار وجود دارد؟

۲. پیشینهٔ پژوهش

تاکنون اثر زبان‌شناختی در زمینهٔ گویش‌کردی کلهری دهستان آسمان‌آباد منتشر نشده است، اما در مورد گویش کردی کلهری شهر کرمانشاه چند اثر، از جمله کتاب، مقاله، فرهنگ و پایان‌نامه به نگارش درآمده است. در این پژوهش نمونه‌ای از آثار مرتبط با این پژوهش را به اختصار معرفی می‌کنیم. کلباسی (۱۳۶۲) در کتاب *گویش‌کردی مهاباد* به توصیف گویش‌کردی مهاباد از نظر آواشناسی، صرف و نحو می‌پردازد. وی در اثر خود بخش «صرف^۱» را به تفصیل بیان کرده است. برخی از مهم‌ترین دستاوردهای این اثر عبارت‌اند از:

۱. گویش کردی مهاباد ۲۹ همخوان دارد؛

۲. این گویش ۱۰ واکه دارد؛

۳. ساختمان هجایی^۷ این گویش به صورت (c) (c) v(c) c است؛

۴. حالت واژگان در این گویش در مقایسه با زبان فارسی سه گونه است؛ گروهی که کاملاً

تفاوت دارند؛ گروهی که کاملاً یکسانند و گروهی که با هم تفاوت آوایی دارند.

کلباسی (۱۳۷۴) در مقاله «مقایسه‌ای بین کردی مهاباد، سنندج و کرمانشاه» به بررسی تصریف

فعل‌های لازم^۸ و متعدی^۹ در سه لهجه کردی مهاباد، سنندج و کرمانشاه پرداخته و آن‌ها را با یکدیگر

مقایسه کرده است. در این اثر تفاوت‌های این سه گویش از زبان کردی از نظر واج‌شناسی،

آواشناسی^{۱۰}، صرف و نحو^{۱۱} بیان شده است. برخی از مهم‌ترین نتایج این مقاله عبارت‌اند از:

۱. کردی مهاباد اصیل‌تر از دو لهجه دیگر است و ویژگی‌های زبان کردی را بیشتر در خود

حفظ کرده است؛

۲. کردی سنندج بیش از کردی کرمانشاه به کردی مهاباد شباهت دارد؛

۳. نشانه نفی فعل امر در کردی کرمانشاه و فارسی معمولاً «na-» است، مانند واژه

(naχor)، اما این نشانه در دو لهجه دیگر کردی بیشتر به صورت «ma-» به‌کار می‌رود؛

۴. فعل «نشستن» در کردی کرمانشاه مانند فارسی بدون پیشوند^{۱۲} اشتقاقی «da-» است و

این پیشوند در دو لهجه دیگر کردی به‌کار می‌رود.

قنبری (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود با نام *مقایسه گویش کردی کرمانشاهی و لکی هرسین*

که در شش فصل تدوین شده است، گویش کردی کرمانشاهی و گویش لکی هرسین را از لحاظ

آواشناسی، واج‌شناسی^{۱۳}، صرف و نحو مورد بررسی قرار داده است. روش تحقیق وی از نوع

توصیفی بوده است. برخی از نتیجه‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. با اینکه تعداد واکه‌ها^{۱۴} در هر دو گویش هشت عدد است، اما تفاوت واکه‌های این دو

گویش در این است که واکه /ö/ در گویش کردی کرمانشاهی وجود ندارد و در مقابل واکه /ü/

در گویش لکی هرسین وجود ندارد؛

۲. تعداد همخوان‌ها در کردی کرمانشاهی ۲۶ و در لکی هرسین ۲۳ عدد است و همخوان‌های

/t/، /ç/، /x/ در گویش لکی وجود ندارند؛

۳. ساختار هجایی در هر دو گویش (c)v(c)(c) است؛

۴. گویش لکی «ساختار ارگتیو» دارد، یعنی تصریف فعل متعدی در زمان گذشته با تصریف

فعل لازم در زمان گذشته متفاوت است.

فتاحی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود با عنوان *فرایندهای صرفی- واجی در کردی کلهری*، داده‌هایی را به روش میدانی جمع‌آوری و سپس در چارچوب نظری «واج‌شناسی زایشی» تحلیل کرده است. معرفی تکواژگونه‌ها^{۱۵} در کردی کلهری و دستیابی به فرایندهایی که باعث شکل گرفتن آن‌ها از تکواژهای^{۱۶} اصلی شده‌اند، دو هدف اصلی این پژوهش به شمار می‌روند. دستاوردهای این اثر عبارت‌اند از:

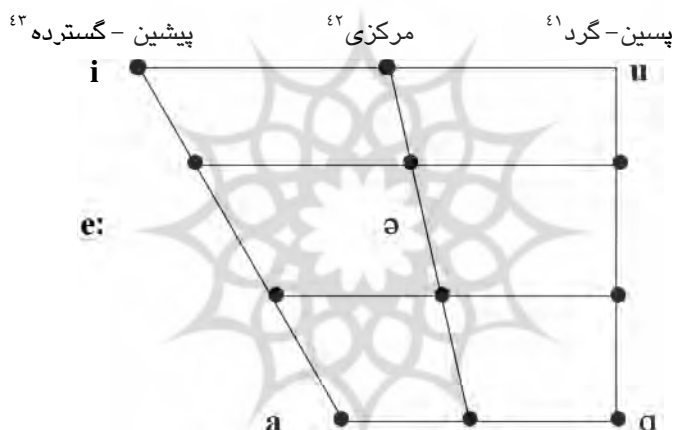
۱. حداقل «پنج» فرایند حذف، درج، همگونی، هماهنگی واکه‌ای و حرکت تکواژ در کردی- کلهری فعال هستند که در این بین بسامد فرایند حذف بیشتر از فرایندهای دیگر است و حذف در واکه‌ها بیش از حذف در همخوان‌ها است؛
۲. فرایند حرکت تکواژ به دلایل صرفی- واجی کم‌بسامدترین فرایند بود؛
۳. مهم‌ترین دستاورد پژوهش، تعیین افعال پسوندی^{۱۷} همراه با شناسه^{۱۸} و پی‌بست ضمیری سوم شخص مفرد بود.

کامبوزیا و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله خود به شناسایی برخی از فرایندهای واجی موجود در همخوان‌های گویش لری بالاگریوه و مقایسه آن با فارسی معیار پرداخته است. روش پژوهش این مقاله توصیفی- تحلیلی است. چارچوب نظری پژوهش براساس واج‌شناسی زایشی و واج‌شناسی خود واحد است. برخی از نتایج پژوهش عبارت‌اند از: ۱. در لری بالاگریوه همخوان‌های /t/ و /d/ در توالی‌های /st/ و /zd/ در واژه‌های بسیط حذف می‌شوند. این فرایند در همین بافت در بعضی از واژه‌های فارسی معیار نیز دیده می‌شود؛ ۲. در گویش بالاگریوه وجود همخوان‌های روان /r/ و /l/ در خوشه‌های همخوانی در واژه باعث بروز فرایند قلب می‌شود و ۳. در این گویش فرایند حذف از سایر فرایندها فعال‌تر است.

از جمله منابع دیگر در این زمینه می‌توانیم *فرهنگ کردی کرمانشاهی* (درویشیان، ۱۳۷۵)، *پیش‌نمان، واژه‌نامه گویش کردی کلهری* (رضایی، ۱۳۸۴)، *فرهنگ باشور* (جلیلیان، ۱۳۸۵)، *مقایسه تطبیقی امثال کردی و فارسی* (پارسا، ۱۳۸۷)، *شورشو، اشعار کردی و فارسی- کرمانشاهی* (اشرفیان، ۱۳۷۹)، *مقایسه ساخت فعل در کرمانجی، خراسانی، کردی کرمانشاهی و کردی مهابادی* (ترقی‌اوغاز، ۱۳۷۹) و ... را نام ببریم. گفتنی است که در زمینه گویش کردی- کلهری دهستان آسمان‌آباد تاکنون کار زبان‌شناختی صورت نگرفته و این مقاله نخستین اثر در زمینه گویش کردی کلهری این دهستان است.

صورت کامی شده همخوان‌های r و l در گویش کردی کلهری دیده شده است. این همخوان‌ها در این گویش واج محسوب می‌شوند.

فارسی معیار	کردی کلهری
کوتاه‌قد	koɫ
چاقوی کند	kol
مقدار زیاد	fəra
دور انداختن	fə ɾ a



شکل ۱ نمودار واکه‌های گویش کردی کلهری

۴. ساختمان هجا در گویش کردی کلهری

اگرادی و همپژوهانجا را این‌گونه تعریف می‌کنند:

هجا از یک هسته هجایی، که معمولاً یک واکه می‌باشد و واحدهای آوایی غیرهجایی وابسته به آن تشکیل می‌شود. هرگاه که اهل یک زبان هجاهای یک واژه را می‌شمارند آگاهی خود را از این واحد ساخت‌واجی نشان می‌دهند. هر چند یک سری اصول کلی در بین همه زبان‌ها مشترک است، اما هر زبان ساخت هجایی خاص خود را دارد (همو، ۱۳۸۰: ۱۱۶-۱۱۷).

کریستال هجا را یک واحد آوایی بزرگ‌تر از یک آوا، ولی کوچک‌تر از یک واژه می‌داند

(Crystal, 2008: 476). ساختمان هجا در زبان فارسی معیار در زیرساخت به صورت (c)v(c)(c) و در گویش کردی کلهری به صورت (c)(c) v(c) (c) است. با مشاهده ساختمان هجا در گویش کردی کلهری روشن می‌شود که در ابتدای هجا می‌تواند خوشه همخوانی^{۴۴} داشته باشد. در این گویش یک هجا می‌تواند از یک واکه نیز تشکیل شود. در ساخت هجا در گونه‌های زبان کردی قبل از واکه حداکثر دو همخوان و بعد از واکه حداکثر سه همخوان می‌توانند قرار بگیرند. در خوشه آغازین، همخوان اول همواره واج /χ/ و عضو دوم همیشه همخوان /w/ است. خوشه‌های سه همخوانی پایانی کاربرد زیادی ندارند. عضو اول خوشه پایانه همواره غلت /j/ است و عضو سوم همواره همخوان انسدادی خواهد بود که از آن میان تنها واج‌های /g/ و /t/ در این گویش به کار می‌روند.

جدول ۲

معنی فارسی	روساخت هجای کلهری	زیرساخت هجای کلهری	ساختمان هجا در کردی کلهری
چرا	[ʔe. ra]	/e. ra/	V
تخم مرغ	[χɑ]	/χɑ/	CV
تشنه	[tʃja. nə]	/tʃja. nə/	CCV
امشب	[ʔəm. ʃow]	/ əm. ʃow/	VC
			VCC
			VCCC
شور	[suʔ]	/suʔ/	CVC
سقف	[saxf]	/saxf/	CVCC
بیرون	[dejʃt]	/dejʃt/	CVCCC
خورشید	[χwar]	/χwar/	CCVC
خورد	[χward]	/χward/	CCVCC
خواهر	[χwejʃg]	/χwejʃg /	CCVCCC

ساختمان هجا در روساخت^{۴۵} یا تولید آوایی به صورت زیر است، اما در زیرساخت^{۴۶} کلماتی که با واکه شروع می‌شوند، بدون «C» آغازی هستند که در جایگاه آغازه یک انسداد



چاکنایی [ʔ] درج می‌شود. از بین هجاهای معرفی‌شده ده هجا به صورت بالفعل در گویش- کردی کلهری درآمده‌اند (مرز هجا با علامت نقطه (.) نشان داده شده است).

۵. فرایندهای همخوانی

۵-۱. همگونی^{۴۷}

یکی از متداول‌ترین فرایندهای واجی در زبان، فرایند «همگونی» است. کامبوزیا به نقل از ینسن (۱۹۹۰) می‌نویسد:

واژهٔ assimilation از دو تکواژ لاتینی /ad-/ به معنای «به سوی» و similis به معنای «مشابهت» مشتق شده است. در همین واژه نمونه‌ای از همگونی دیده می‌شود، زیرا همخوان /d/ در تکواژ /ad-/ از طریق فرایند همگونی به [s] در آغاز تکواژ دوم تبدیل شده است. فرایند همگونی را می‌توان واج‌شناس‌پیوستگی به همگونی پیوسته و ناپیوسته، واج‌شناس جهت به همگونی پیش‌رو، پس‌رو و دوسویه و از حیث درجهٔ شباهت به همگونی کامل و ناقص تقسیم‌بندی نمود. هریک از این انواع همگونی می‌تواند همگونی همخوان با همخوان، همگونی همخوان با واکه، همگونی واکه با واکه یا هماهنگی واکه‌ای و همگونی واکه با همخوان باشد (کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۱۶۷).

آرلاتو دو نوع همگونی پس‌رو و پیش‌رو را از هم متمایز می‌کند: همگونی پس‌رو روندی است که طی آن یک همخوان با همخوانی که بعد از آن می‌آید مشابه می‌شود و همگونی پیش‌رو هنگامی پدید می‌آید که واج نخست ثابت می‌ماند و به طریقی واج دوم را شبیه خود می‌کند (آرلاتو، ۱۳۸۴: ۹۴).

۵-۱-۱. تبدیل به m قبل از b و سپس حذف b

فرایند همگونی پس‌رو در مشخصهٔ محل تولید در داده‌های زیر رخ داده است. در طی این فرایند خیشومی تیغه‌ای /n/ قبل از همخوان لبی /b/ به همخوان خیشومی و لبی [m] تبدیل می‌شود و درنهایت، پس از همگونی کامل b به m به صورت mm یکی از mها حذف می‌شود.

جدول ۳

فارسی معیار	واج نویسی معیار	کردی کلهری
تنباکو	tanbaku	tamaku
دوشنبه	doʃanbe	dəʃama
قنبر	ganbar	qamar
گنبد	jonbad	goməg
پنبه	panbe	pamə
تنبل	tanbal	tamaʔ
انبردست	anbordast	ʔamurdas

هرگاه همخوان خیشومی تیغه‌ای /v/، قبل از همخوان انسدادی لبی /b/ قرار بگیرد، خود را از لحاظ جایگاه تولید با همخوان بعد از خود همگون می‌کند و به همخوان خیشومی لبی [m] تبدیل می‌شود. از آنجا که همخوان /n/ به همخوان بعد از خودش از لحاظ جایگاه تولید شبیه شده است، همگونی پسرو محسوب می‌شود. به این نوع همگونی که در یک مشخصه است و به همگونی کامل منجر نمی‌شود، همگونی جزئی گفته می‌شود.

برای تعیین صورت زیرساختی بین دو واج /v/ ~ /m/ یک تناوب واجی را در نظر می‌گیریم تا صورت زیرساختی را تعیین کنیم.

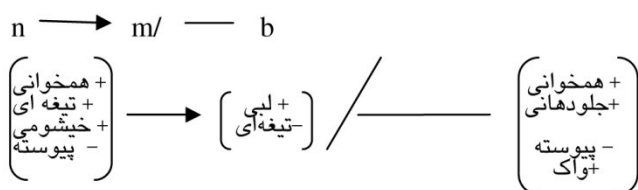
فرضیه اول: واژه‌های گویش کردی کلهری به صورت زیرساختی هستند و قاعده‌ای نیاز است تا همخوان /m/ را در مجاورت همخوان /b/ به همخوان [n] تبدیل کند.

فرضیه دوم: واژه‌های زبان فارسی معیار به صورت زیرساختی هستند و قاعده‌ای نیاز است تا همخوان /n/ را در مجاورت همخوان /b/ به همخوان [m] تبدیل کند.

فرضیه اول تأیید نمی‌شود، زیرا در گویش کردی کلهری مثال نقض از جمله ʔambaz (جانباز)، در مورد این فرایند وجود دارد، زیرا همخوان /n/، همیشه می‌کوشد خود را از لحاظ جایگاه تولید با همخوان دهانی بعد از خود همگون کند. فرضیه دوم تأیید می‌شود، زیرا این تبدیل یک فرایند طبیعی محسوب می‌شود که دو همخوان متفاوت در یک واژه، برای آسان شدن تلفظ روی هم تأثیر می‌گذارند و با هم همگون می‌شوند. در فرضیه دوم، همخوان /n/ که از لحاظ جایگاه تولید همخوانی دندانی است در کنار همخوان لبی /b/ خود را به همخوان خیشومی



همجایگاه تولید با این واج تبدیل می‌کند. از طرفی در این گویش، /ŋ/ واج‌گونه دیگر همخوان /n/ است که قبل از همخوان نرمکامی /g/ ظاهر می‌شود؛ مانند واژه [təfan] (تفنگ).
قاعده ۱: تبدیل /n/ به [m] در مجاورت /b/



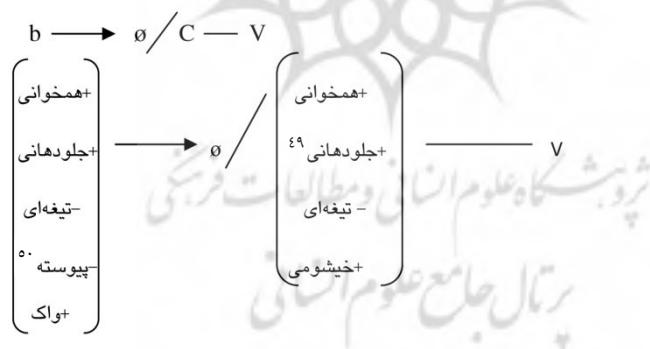
قاعده ۱ نشان می‌دهد که همخوان خیشومی تیغه‌ای^{۴۸} /n/ در مجاورت همخوان انسدادی و لبی /b/ به همخوان خیشومی و لبی [m] تبدیل می‌شود.

علاوه بر قاعده ۱، قاعده دیگری نیز روی این داده‌ها عمل کرده است. روند عملکرد فرایندها به ترتیب زیر بوده است:

۱. تبدیل خوشه همخوانی /-nb/ به خوشه همخوانی [-mb]؛

۲. حذف همخوان /b/ از خوشه همخوانی [-mb].

قاعده ۲: حذف همخوان /b/



قاعده ۲ نشان می‌دهد که همخوان انسدادی و لبی /b/ در مجاورت همخوان لبی و خیشومی [m] حذف می‌شود.

چگونگی اعمال قاعده‌های ۱ و ۲ و اشتقاق واژه «pamə»، از زیر ساخت تا روساخت را در

بازنمایی ۱ نشان داده‌ایم.

بازنمایی ۱: چگونگی تحول واژه‌ی «پنبه» از زیرساخت به روساخت

# panbə #/	بازنمایی واجی (زیرساختی)
pambə	۱. قاعدهٔ همگونی پسرو در محل تولید (عملکرد قاعده‌ی ۱)
pamə	۲. حذف همخوان لیبی /b/ (عملکرد قاعده‌ی ۲)
[pamə]	بازنمایی آوایی (روساختی)

در فارسی معیار تنها قاعدهٔ ۱ عمل می‌کند که بر اثر عملکرد این فرایند صورت روساختی واژهٔ «پنبه» به صورت [pambe] درمی‌آید. این قاعده از نوع «تیره»^۱ است، زیرا عامل تبدیل n به m در زیرساخت وجود دارد و در روساخت حضور ندارد.

۲-۵. همگونی پسرو همخوان‌های q و χ

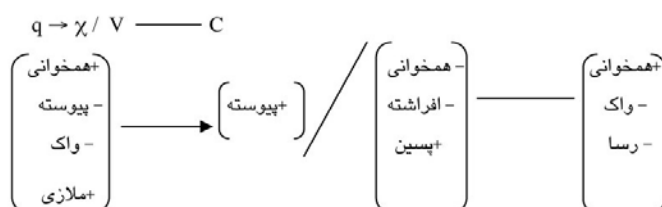
همخوان بی‌واک و ملازی /q/ در مجاورت همخوان دندانی و بی‌واک /t/ به همخوان بی‌واک [χ] تبدیل می‌شود. در گویش کردی کلهری همخوان واکنار /G/ وجود ندارد، بلکه جفت بی‌واک آن، یعنی /q/ به‌کار می‌رود. از آنجا که در یک توالی، همخوان دوم ثابت است و همخوان اول تحت تأثیر همخوان دوم قرار گرفته است، این نوع همگونی پسرو محسوب می‌شود.

جدول ۴

فارسی معیار	زیرساخت کردی کلهری	روساخت کردی کلهری
نقطه	/noqte/	[naxta]
رقص	/raqs/	[raxs]
مشق	/maʃG/	[maxʃ]
سقف	/saqf/	[saxf]



قاعدهٔ ۳: تبدیل q به χ



قاعدهٔ ۳ نشان می‌دهد که همخوان ملازی، انسدادی و بی‌واک /q/ در مجاورت همخوان‌های گرفته و بی‌واک به همخوان ملازی سایشی و بی‌واک [χ] تبدیل می‌شود.

۲-۵. فرایند حذف^{۵۲}

برکوئست، فرایند «حذف» را این‌گونه تعریف می‌کند: «فرایند حذف به‌منظور ارائهٔ الگوی واژگانی یا هجایی قابل قبول در واج‌آرایی یک زبان، ساختار هجایی آن زبان را تغییر می‌دهد» (Burquest, 2001: 169).

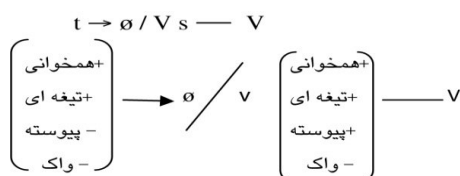
۲-۱-۵. جایگاه میانی کلمات:

۲-۲-۵. الف- حذف t، از توالی st در محیط بین دو واکه

جدول ۵

کردی‌کلهری	زیرساخت کردی‌کلهری	واج‌نویسی معیار	فارسی معیار
[ʔasara]	/astara /	setare	ستاره
[zəməsan]	/zəməstan/	zemestan	زمستان
[kordəsan]	/kordəstan/	cordestan	کردستان
[ʔasamuli]	/astamuli/	estanbuli	استانبولی
[bimarəsan]	/bimarəstan /	bimarestan	بیمارستان
[məsrəw]	/məstərow/	mostarah	مستراح
[pəʔasik]	/pəʔastik/	pelastic	پلاستیک
[rusam]	/rustam /	rostan	رستم
[masi]	/masti/	mahasti	مهستی
[ʔəsa]	/əsta/	ostad	استاد
[ʔasar]	/astar /	astar	آستر

قاعدهٔ ۴. الف: حذف همخوان t



قاعدهٔ ۴. الف نشان می‌دهد که همخوان تیغه‌ای و انسدادی t در توالی St در محیط بین دو واکه حذف می‌شود.

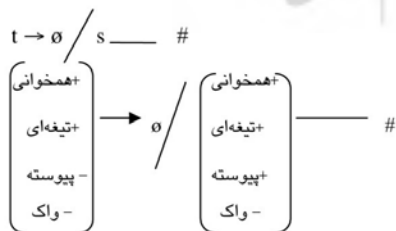
ب. حذف t، از توالی St در پایان واژه

جدول ۶

کردی کلهری	واج نویسی معیار	فارسی معیار
das	dast	دست
raʒ	rast	راست
pus	pust	پوست (بدن)
?amurdas	anbordast	انبردست
mas	mast	ماست
bis	bist	بیست
ʃas	ʃast	شصت
mas	mast	مست
səs	sost	سست
zanəs	danest	دانست

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

قاعدهٔ ۴. ب: حذف همخوان t





قاعدهٔ ۴. ب نشان می‌دهد که همخوان تیغه‌ای و انسدادی t در توالی st در پایان واژه یا پایان هجا حذف می‌شود.

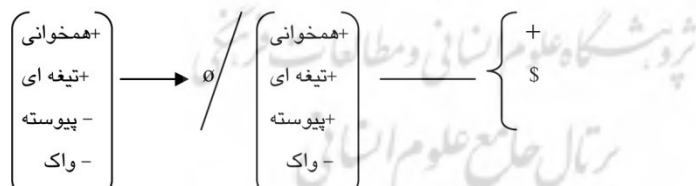
ج. حذف t، از توالی st در پایان هجا در مرز دو تکواژ

جدول ۷

فارسی معیار	واج نویسی معیار	زیرساخت کردی کلهری	کردی کلهری
دستبند	dastband	/dastban /	[dasban]
دستگاه	dastjah	/dastga /	[dasga]
درستکار	dorostcar	/dərəstkar /	[dərəskər]
دست‌انداز	dastandaz	/dastandəz/	[dasandəz]
دسته	daste	/dasta /	[dasa]
دستگیره	dastjire	/dastgira/	[dasgira]
راستی	rasti	/rasti /	[rasi]
دستدوز	dastduz	/dastduz/	[dasduz]

قاعدهٔ ۴. ج: حذف همخوان t

$$t \rightarrow \emptyset / s _ \$$$



قاعدهٔ ۴. ج نشان می‌دهد که همخوان تیغه‌ای و انسدادی t در توالی st در مرز دو تکواژ حذف می‌شود.

(علامت «+» مرز دو تکواژ و علامت «\$» مرز هجا را نشان می‌دهند.)

مجموع قواعد بالا را می‌توانیم به صورت قاعدهٔ ه نشان دهیم.

قاعده ۵: قاعده کلی حذف همخوان t

$$t \rightarrow \emptyset / C \left\{ \begin{array}{l} V \\ \# \\ \$ \end{array} \right. \text{ه (الف)، (ب)، (ج)}$$

قاعده ۵ (مجموع سه قاعده ۴. الف، ۴. ب، ۴. ج) نشان می‌دهد که همخوان تیغه‌ای و انسدادی t از خوشه /-st -/ در محیط بین دو واکه، پایان واژه یا پایان هجا و در مرز دو تکواژ حذف می‌شود.

۳-۲-۵. حذف h از توالی همخوانی

جدول ۸

فارسی معیار	واج‌نویسی معیار	کردی کلهری
خوشحال	χoʃhal	χwafat
الهام	elham	ʔelam
مشهد	maʃhad	maʃa:d
قهوه‌ای	gahveʔi	qawej
اهواز	ahvaz	ʔawaz
صبحانه	sobhane	səbana

قاعده ۶: حذف همخوان h

$$h \rightarrow \emptyset / \% C \left(\begin{array}{l} \text{حلقی} \\ \text{بی واک} \end{array} \right)$$

قاعده ۶ نشان می‌دهد که همخوان چاکنایی h در توالی همخوانی در کلمات دوهجایی و سه‌هجایی با الگوی CVC. CVC, CVC. CV, CV, CVC. CVC. CVC حذف می‌شود.



در خوشه همخوانی در واژه‌هایی با ساخت هجایی «CVCC» نیز حذف h موجب کشش جبرانی واکه هسته هجا می‌شود.

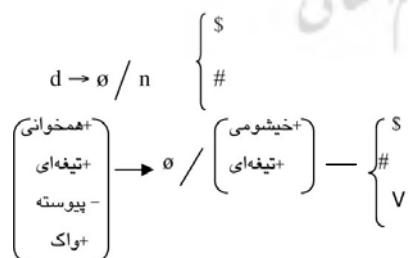
گویش کردی کلهری	زبان فارسی معیار	مثال : مهر
me:r	mohr	
ze:n	zehn	ذهن

۶-۲-۵. حذف d از توالی -nd

جدول ۹

کردی کلهری	زیرساخت کردی کلهری	واج نویسی فارسی معیار	فارسی معیار
[ban]	/band/	band	بند
[qan]	/qand/	qand	قند
[tʃan]	/tʃand/	tʃand	چند
[dasban]	/dasban/	dastband	دستبند
[kamarban]	/kamarban/	camarband	کمربند
[bətən]	/bətənd/	boland	بلند
[pan]	/pand/	pand	پند
[χanə]	/χandə/	χande	خنده
[zəne]	/zənde/	zende	زنده
[rəna]	/rənda/	rande	رنده
[bana]	/banda/	bande	بنده (خلق خدا)

قاعده ۷: حذف همخوان d



قاعدهٔ ۷ نشان می‌دهد که همخوان انسدادی و واکنار d در پایان واژه، پایان هجا و قبل از واکه، در بافت بعد از همخوان خیشومی و دندانی n حذف می‌شود. در داده‌های جدول ۹ خوشهٔ پایانی nd- در صورت آوایی ظاهر نمی‌شود و توالی nd- با حذف همخوان پایانی d ساده می‌شود. حذف همخوان d در داده‌های بالا، در توالی همخوانی -nd در پایان واژه و مرز هجا و محیط قبل از واکه نشان می‌دهد که توالی این دو همخوان در این گونهٔ زبانی در گفتار به‌کار نمی‌رود و بیشتر در بازنمایی واجی دیده می‌شود.

۵-۳. فرایند درج^{۵۴}

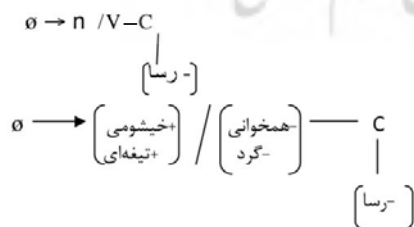
کامبوزیا در تعریف فرایند «درج» می‌نویسد: «درج مفهومی کلی است که طی آن یک عنصر ساختاری جدید به یک زنجیره اضافه می‌شود» (همو، ۱۳۸۵: ۲۷۴).

۵-۳-۱. درج n (در جایگاه میانی)

جدول ۱۰

فارسی معیار	واج‌نویسی معیار	کردی کلهری
خارجی	χare ɕ i	χarəɕ i
بالش	balef	batəɕ
حجامت	he ɕ amat	hanɕ ama
مگس	majas	mangas
دوازده	davazdah	dəwanza
لیسانس	lisans	linsans
سیزده	sizdah	se:nza

قاعدهٔ ۸: درج همخوان n





قاعدهٔ ۸ نشان می‌دهد که همخوان خیشومی و دندانی n، در کلمات دوهجایی و سه‌هجایی بعد از واکهٔ گسترده و قبل از همخوان گرفته درج می‌شود.

۵-۴. تقویت^{۵۵} یا تضعیف^{۵۶}

کریستال در تعریف تقویت می‌نویسد: «آواهایی که با قدرت ماهیچه‌ای و نیروی تنفسی قوی‌تر تولید می‌شوند و در مقایسه با سایر آواها که ضعیف نامیده می‌شوند، قوی به شمار می‌آیند. آواهای بی‌واک قوی و آواهای واکدار ضعیف محسوب می‌شوند، تبدیل ناسوده به سایشی و سایشی به انسدادی تقویت نامیده می‌شود» (Crystal, 1992: 143). کنستویچ، فرایند تضعیف را این‌گونه تعریف می‌کند: «آواشناسی سه نوع بست همخوانی را شناسایی می‌کند؛ انسدادی، سایشی و ناسوده که تغییرات آوایی از محور انسدادی به سایشی و به ناسوده، تضعیف نام دارد» (Kenstowicz, 1994: 35-36).

۵-۴-۱. تناوب بین d و t

جدول ۱۱

فارسی معیار	واج‌نویسی معیار	کردی کلهری
کود	cud	kut
خودکار	χodcar	χotkar
شوید	ʃevid	ʃəwit
کارد (میوه‌خوری)	card	kart

فرضیهٔ اول: همخوان انسدادی و واکدار /d/، در پایان یا وسط کلمه به همخوان انسدادی و بی‌واک /t/ تبدیل می‌شود.

فرضیهٔ دوم: همخوان انسدادی و بی‌واک /t/، در پایان یا وسط کلمه به همخوان انسدادی واکدار /d/ تبدیل می‌شود.

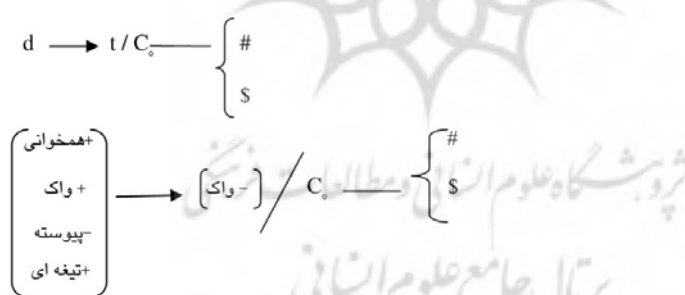
فرضیهٔ اول تأیید می‌شود، چون همخوان واکدار /d/ در کلمات قرضی که داخل زبان فارسی شده‌اند، حفظ شده است. در جدول زیر نمونه‌هایی از این کلمات دخیل را ارائه می‌کنیم.

جدول ۱۲

معادل فارسی	کلمات دخیل فرانسوی	کلمات دخیل عربی	معادل کردی کلهری
جسد	_____	çasad	çasat
سالاد	salade	_____	sařat
کمد	commode	_____	komət
حمید	_____	hamid	hamit
مجرد	_____	moç arrad	moç arət

داده‌های بالا نشان می‌دهند که همخوان انسدادی و واکدار d در کلمات فارسی جدید و کلمات دخیل، در گویش کردی کلهری به همخوان انسدادی و بی‌واک t تبدیل شده است (Kenstowicz, 1994: 64). برای همخوان‌های گرفته، واگردگی در پایان کلمه فرایندی کاملاً طبیعی به شمار می‌آید و این فرایند در زبان‌های روسی، لهستانی و آلمانی نیز رخ می‌دهد. در نتیجه می‌توان گفت در گویش کردی کلهری فرایند «تقویت» صورت گرفته است.

قاعده ۹: تبدیل همخوان /d/ به [t]



قاعده ۹ نشان می‌دهد که همخوان انسدادی و واکدار /d/ در پایان کلمه و پایان هجا به همخوان انسدادی و بی‌واک /t/ تبدیل می‌شود.

۲-۴-۵. تناوب بین v, b و w

بررسی جدول همخوان‌ها (جدول ۱) در گویش کردی کلهری نشان می‌دهد که همخوان سایشی



و لب و دندانی «V» در این گویش به عنوان یک همخوان زیرساختی وجود ندارد و گاهی به عنوان واج‌گونه برخی همخوان‌ها دیده می‌شود.

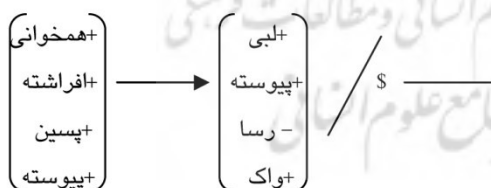
جدول ۱۳ الف. تناوب بین V و W

فارسی معیار	واج نویسی معیار	کردی کلهری
دوازده	davazdah	dəwanza
وحید	vahid	wahid
ولی (اسم شخص)	vali	wali
واشر	vafər	wafər
جواد	ɕavɑd	ɕəwɑd
جواب	ɕavɑb	ɕəwɑw

مقایسه داده‌های این گویش با زبان فارسی معیار نشان می‌دهد که در این گویش غلت لبی-نرمکامی W از دوره میانه باقی مانده است و در داده‌های فارسی معیار به صورت سایشی V تولید می‌شود؛ از این رو، تبدیل غلت W به سایشی V نوعی فرایند تقویت به شمار می‌رود.

قاعده ۱۰: قاعده تاریخی تقویت $V \rightarrow W$ در داده‌های فارسی

$$w \rightarrow v / \$ \text{_____}$$



قاعده ۱۰ نشان می‌دهد غلت ناسوده /w/ در ابتدای هجا به همخوان لب و دندانی و سایشی [v] طی یک فرایند تاریخی در داده‌های فارسی معیار ایجاد شده است.

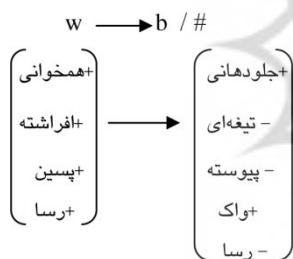
همخوان سایشی [v] در گویش کردی کلهری واج‌گونه همخوان‌های /f/ و /b/ در واژه‌های

hevda (هفده)، avda (عبدل) محسوب می‌شود.

جدول ۱۳ ب. تناوب بین b و w در جایگاه آغازی

فارسی معیار	واج نویسی معیار	کردی کلهری
باران	baran	waran
بهار(فصل)	bahar	wahar
برف	barf	wafir
برگ	barj	wałj
باز (در مقابل بسته)	baz	waz
بره	barre	wark
باد	bad	wa

قاعده ۱۱: تبدیل /w/ به /b/



قاعده ۱۱ نشان می‌دهد غلت ناسوده /w/ در ابتدای واژه به همخوان لب و دندانی و واکدار [b] تبدیل می‌شود.

برای تعیین صورت زیرساختی می‌توانیم دو فرضیه زیر را در نظر بگیریم:

فرضیه اول: غلت ناسوده /w/ صورت زیرساختی است و در روساخت به همخوان‌های

واکدار و جلودهانی [b] و [v] تبدیل می‌شود.

فرضیه دوم: همخوان‌های واکدار و جلودهانی /b/ و /v/ در صورت زیرساختی وجود دارند

و در روساخت به غلت ناسوده [w] تبدیل می‌شوند.

شواهد تاریخی، فرضیه اول را تأیید می‌کند. غلت w در دوره میانه نیز وجود داشته و جزو

همخوان‌های زبان فارسی و گویش‌کردی بوده است؛ از جمله کلمات باد (wad)، باران (waran)، باز (-wad) برگ (walg/warg)، بچه (wat[ʃage)، برف (wafr)، بره (warrag) و بس (was) (مکنزی، -۱۳۷۹:۱۵۱-۱۵۲). گویش‌کردی‌کلهری صورت زیرساختی غلت /w/ را در نظام واجی خود به‌عنوان یک همخوان حفظ کرده است، اما در زبان فارسی این غلت به همخوان‌های واکدار و جلودهانی [b]، [v] و گاهی [g] تبدیل شده است. به سخن دیگر، در زبان فارسی معیار فرایند تقویت از غلت به سایشی یا انسدادی رخ داده است. این فرایند در داده‌های قرضی از زبان عربی به فارسی نیز دیده می‌شود، به‌طوری‌که غلت /w/ در واژه‌های دخیل عربی به صورت [v] در فارسی معیار تولید می‌شود.

۳-۴-۵. تبدیل /f/ به [w]

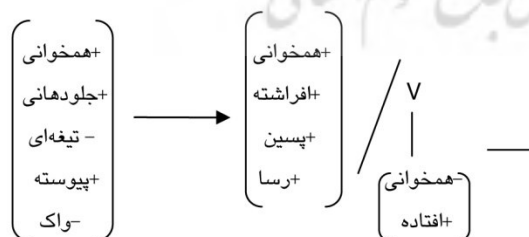
جدول ۱۴

فارسی معیار	واج‌شناسی معیار	کردی‌کلهری
کفش	cafʃ	kowʃ
بنفش	banafʃ	bənowʃ
افسار	afsar	ʔowsar
ناف	naf	nowk

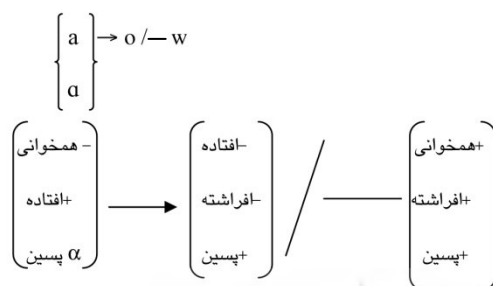
در گویش‌کردی‌کلهری همخوان‌های لبی در جایگاه پایان واژه یا پایانهٔ هجا و پس از واکه به غلت [w] تبدیل می‌شوند و فرایند تضعیف در آن‌ها عمل می‌کند.

قاعدهٔ ۱۲. الف؛ قاعدهٔ تضعیف: تبدیل /f/ به [w]

f → w / V _____



قاعده ۱۲. الف نشان می‌دهد که همخوان بی‌واک و سایشی و لب و دندانی /f/ در محیط بعد از واکه به ناسوده [w] تبدیل می‌شود. در محیط بعد از واکه معمولاً فرایند تضعیف رخ می‌دهد.
قاعده ۱۲. ب: تبدیل واکه‌های /a,a/ به [o]



قاعده ۱۲. ب نشان می‌دهد که واکه افتاده قبل از غلت /w/ در یک هجا به واکه میانی تبدیل می‌شود.

بازنمایی ۲:

# ab # /	(UR)	صورت زیرساختی
?ab		۱. قاعده درج آغازی
?aw		۲. قاعده ۱۲. الف) تبدیل انسدادی به غلت «تضعیف»
?ow		۳. قاعده ۱۲. ب) همگونی بین «واکه و غلت»
[?ow]	(PR)	بازنمایی روساختی

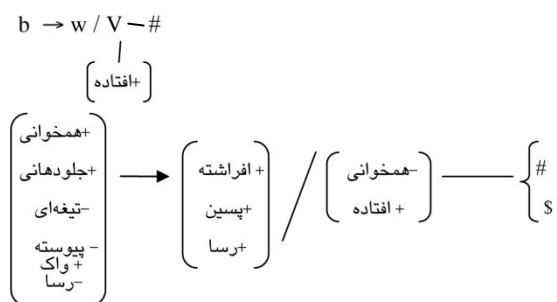
بازنمایی ۲ نشان می‌دهد که امکان پسین‌شدگی واکه در زیرساخت وجود ندارد، بلکه تحت تأثیر عملکرد قاعده ۱۲. الف، زمینه عملکرد قاعده ۱۲-ب فراهم شده است. رابطه دو قاعده، رابطه زمینه‌چینی است.

۴-۵. تبدیل /b/ به [w] (در محیط بین دو واکه):

جدول ۱۵

فارسی معیار	واج‌نویسی معیار	کردی کلهری
آبه	ab(e)le	?owəʎa
ببخش	bebaxʃ	bəwaxʃ

قاعده ۱۴: تبدیل /b/ به [w]



قاعده ۱۴ نشان می‌دهد که همخوان انسدادی دولبی و واکدار /b/ در محیط بعد از واکه‌های افتاده /a,ɑ/ به همخوان ناسوده [w] تبدیل می‌شود و نوعی تضعیف اتفاق می‌افتد. در تأیید درستی این فرایند می‌توانیم بگوییم که پایان هجا معمولاً جایگاه تضعیف است. این فرایند واجی یک فرایند طبیعی در زبان است.

۵-۵. فرایند قلب^{۵۷}

اگرادی و همپژوهان قلب را فرایندی می‌دانند که طی آن ترتیب زنجیره واحدهای آوایی تغییر می‌کند. این فرایند اغلب به تولید زنجیره‌ای از آواها می‌انجامد که تلفظ آن‌ها ساده‌تر است. قلب معمولاً در گفتار کودکان شنیده می‌شود، زیرا آن‌ها اغلب نمی‌توانند همه زنجیره‌های همخوانی را به شیوه بزرگسالان تولید کنند (اگرادی و دیگران، ۱۳۸۰: ۷۴). کریستال فرایند قلب را این‌گونه تعریف می‌کند: «جابه‌جایی در توالی طبیعی اجزای جمله که بیشتر در آواها دیده می‌شود» (Crystal, 2003: 290).

قاعده کلی فرایند قلب:

$$C_1 C_2 \longrightarrow C_2 C_1 / V _ \#$$

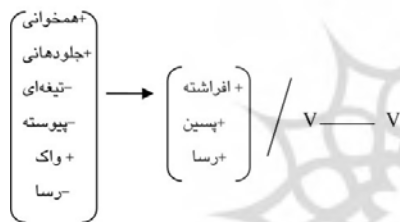


ادامهٔ جدول ۱۵

کردی کلهری	واج نویسی معیار	فارسی معیار
tawer	tabar	تبر
χawar	χabar	خبر
zewan	zaban	زبان
towesan	tabestan	تابستان
haftowa	aftabe	آفتابه

قاعدهٔ ۱۳: تبدیل /b/ به [w]

b → w / V—V



قاعدهٔ ۱۳ نشان می‌دهد که همخوان انسدادی دو لپی و واکدار /b/ در محیط بین دو واکه که معمولاً جایگاه تضعیف است به غلت /w/ تبدیل می‌شود.

۵-۴-۵. تبدیل /b/ به [w] (در جایگاه پایانی)

جدول ۱۶

کردی کلهری	واج نویسی معیار	فارسی معیار
ʃow	ʃab	شب
ʔow	ab	آب
tow	tab	تاب (بازی)
tow	tab	تب
χow	χab	خواب
χərow	χarab	خراب
kəwow	cabab	کباب
kətow	cetab	کتاب
ɕurow	ɕurab	چوراب

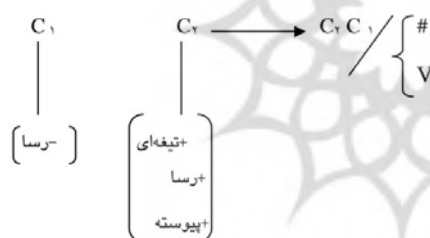


۱-۵-۵. قلب در میان توالی دو همخوان گرفته و رسا

جدول ۱۷

فارسی معیار	واج نویسی معیار	زیرساخت کردی کلهری	کردی کلهری
کبریت	cebrit	/kəbrit /	[kərmɪt]
فخری	faχri	/faχri/	[farχi]
قفل	qəft	/qəft/	[qəft]
طفل	teft	/təft /	[təft]

داده‌های جدول ۱۵ نشان می‌دهند که فرایند قلب در بافت خوشه دو همخوانی مانند واژه /qəft/ و یا توالی دو همخوان در مرز هجا مانند واژه /faχri/ صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که C_۱ رساتر از C_۲ باشد که به ترتیب [qəft] و [farχi] تلفظ می‌شوند. قاعده ۱۵: فرایند قلب



با توجه به قاعده ۱۵ اگر در ساخت C_۲C_۱VC همخوان C_۲ یکی از همخوان‌های روان [t] یا [r] باشد که نسبت به C_۱ رساتر است، احتمال وقوع فرایند قلب وجود دارد.

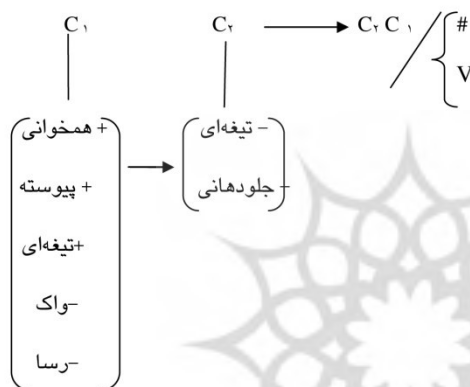
۲-۵-۵. قلب میان توالی دو همخوان گرفته

جدول ۱۸

فارسی معیار	واج نویسی معیار	زیرساخت کردی کلهری	کردی کلهری
مشق	maʃG	/maʃχ /	[maʃ]
نسخه	nosχe	/nəsχa /	[nəχsa]
مشغول	maʃGul	/maʃχut/	[maʃut]

داده‌های بالا نشان می‌دهند که اگر میان دو همخوان متوالی گرفته C_1 یک همخوان تیغه‌ای و C_2 همخوانی ملازی باشد، فرایند قلب بین دو همخوان مجاور اتفاق می‌افتد. در این مثال‌ها همخوان‌های مجاور واج‌شناس در درجهٔ رسایی یکسان هستند و تفاوت آن‌ها تنها در محل تولید هریک است.

قاعدهٔ ۱۶: فرایند قلب



قاعدهٔ ۱۶ نشان می‌دهد که در گویش کردی کلهری فرایند قلب در ساخت CVC_1C_2 رخ می‌دهد، به طوری که C_2 یکی از همخوان‌های پسین یا ملازی باشد و C_1 همخوانی تیغه‌ای باشد.

۶. نتیجه‌گیری

هدف از بررسی فرایندهای واجی همخوان‌ها در این گویش دستیابی به ساخت هجایی، نوع فرایندهای واجی فعال در مورد همخوان‌ها و تعداد همخوان‌ها و واژه‌های این گویش بوده است که در این زمینه به نتایج زیر رسیدیم:

۱. گویش کردی کلهری ۲۵ همخوان و ۶ واژه دارد. این گویش دارای همخوان‌های /t̪/, /t̪̃/ است که در زبان فارسی معیار وجود ندارند. صورت بی‌واک همخوان /G/، یعنی واج /q/ در این گویش وجود دارد. همخوان سایشی /v/ در زبان فارسی یک واج محسوب می‌شود، اما در این گویش واج‌گونه همخوان‌های /f/ و /b/ است. همخوان‌های کامی /c/ و /j/ فارسی در این گویش به صورت نرم‌کامی /k/ و /g/ تولید می‌شوند. واژه‌های /e:/ و /ə/ در گویش کردی-



کلهری وجود دارند، اما زبان فارسی معیار فاقد آنها است و همچنین واج‌گونه‌ی /y/ نیز در زبان فارسی معیار وجود ندارد.

۲. واکهٔ /o/ در گویش کردی‌کلهری وجود ندارد و تنها در بافت‌های خاصی و به‌ندرت در کلمات دخیل این گویش تلفظ می‌شود.

۳. ساختمان هجا در گویش‌کردی‌کلهری در زیرساخت به صورت (c)(c) v(c) (c) است، درحالی‌که در فارسی معیار ساختمان هجا در زیرساخت به صورت (c)v(c)(c) است. در این گویش یک واکه به‌تنهایی می‌تواند به‌عنوان یک هجای مستقل محسوب شود و «خوشه‌های همخوانی» نیز در ساختار هجایی این گویش وجود دارد.

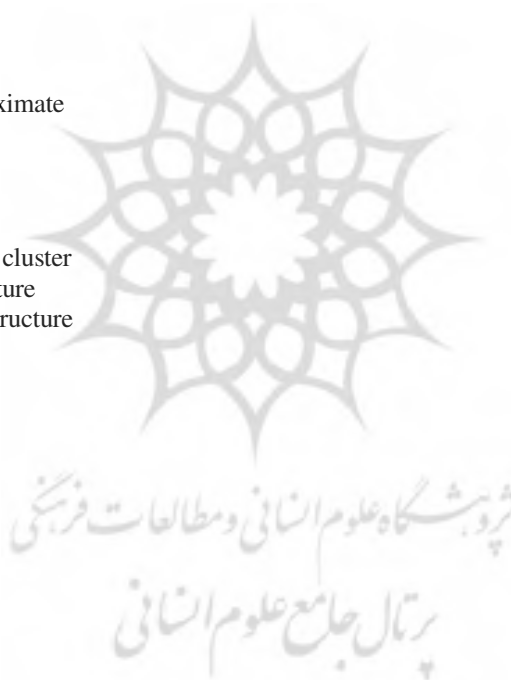
۴. فرایندهای واجی همگونی، حذف در جایگاه میانی و پایانی، درج آغازی و میانی، تضعیف، تقویت و قلب در مورد همخوان‌های این گویش فعال هستند.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. phonological process
2. consonantal
3. dialect
4. informant
5. IPA
6. inflection
7. syllabic structure
8. intransitive verb
9. transitive verb
10. phonetic
11. syntax
12. prefix
13. phonology
14. vowel
15. allomorph
16. morpheme
17. suffix
18. clitic
19. high
20. long
21. allophonic
22. place of articulation

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

23. manner of articulation
24. bilabial
25. labio- dental
26. dental
27. alveolar
28. alveo- palatal
29. palatal
30. soft palate
31. velar
32. glottal stop
33. plosive
34. nasal
35. fricative
36. trill
37. palatal trill
38. africative
39. lateral approximate
40. semi- vowel
41. back
42. central
43. front
44. consonantal- cluster
45. surface structure
46. underlying structure
47. assimilation
48. coronal
49. anterior
50. continuant
51. opaque
52. deletion
53. pharyngeal
54. insertion
55. fortition
56. lenition
57. metathesis



۸. منابع

- اشرفیان، منوچهر (۱۳۷۹). *شورشو- اشعار کردی و فارسی کرمانشاهی*. کرمانشاه: انتشارات کرمانشاه.



- اگرادی، ویلیام، دابروولسکی، مایکل و مارک آرنف (۱۳۸۰). *درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر*. ترجمه علی درزی. تهران: سمت.
- آراتو، آنتونی (۱۳۸۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*. ترجمه یحیی مدرس. چ ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پارسا، سیداحمد (۱۳۸۷). *مقایسه تطبیقی امثال کردی و فارسی*. کردستان: انتشارات دانشگاه کردستان.
- ترقی اوغان، حسنعلی (۱۳۷۹). *مقایسه ساخت فعل در کرمانجی، خراسانی، کردی کرمانشاهی و کردی مهابادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- جلیلیان، عباس (۱۳۸۵). *فرهنگ باشور کردی - فارسی*. کرمانشاه: صبح روشن.
- درویشیان، علی‌اشرف (۱۳۷۵). *فرهنگ کردی کرمانشاهی*. کرمانشاه: انتشارات کرمانشاه.
- رضایی، ولی (۱۳۸۴). *پیش‌نمان - واژه‌نامه گویش کردی کلهری*. کرمانشاه: طاق بستان.
- فتاحی، مهدی (۱۳۹۰). *فرایندهای صرفی - واجی در کردی کلهری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
- قنبری، لیلا (۱۳۸۹). *مقایسه گویش کردی کرمانشاهی و لکی هرسین*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکز.
- کلباسی، ایران (۱۳۶۲). *گویش کردی مهاباد*. چ ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ----- (۱۳۷۴)، «مقایسه‌ای بین کردی مهاباد، سنندج و کرمانشاه». *مجله علمی و پژوهشی دانشگاه الزهراء*. س ۵، ش ۱۳ و ۱۴. صص ۵۹ - ۸۰.
- ----- (۱۳۸۸). *فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کامبوزیا، عالیه ک. ز. (۱۳۸۵). *واج‌شناسی: رویکردهای قاعده‌بنیاد*. تهران: سمت.
- ----- و همکاران. (۱۳۹۲). «مقایسه فرایندهای واجی همخوان‌های گویش لری بالاگریوه با فارسی معیار». *فصلنامه جستارهای زبانی*. ش ۱. پیاپی ۱۳. صص ۱۵۱-۱۷۹.
- گودرزی، علیرضا (۱۳۸۱). *ایل کلهر در دوره مشروطیت*. کرمانشاه: انتشارات کرمانشاه.
- مکنزی، دیوید نیل (۱۳۷۹). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*. ترجمه مهشید میرفخرایی. تهران:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *سالنامه آماری استان ایلام*. (دفتر آمارهای جمعیت: خانوار و جمعیت استانها برحسب ساکن و غیر ساکن). ایلام: استانداری ایلام.

Reference:

- Arlatu, A. (2005). *A Survey of Historical Linguistics*. Translated by: Yahya Modarresi. Second Edition. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [In Persian].
- Ashrafiyan, M (2000). *Shurshu: Kurdish and Persian Poems in Kermanshah*. Kermanshah: Kermanshah Publications [In Persian].
- Burquest, D.A. (2001). *Phonological Analysis (A Functional Approach)*. USA: SIL International.
- Crystal, D. (1992). *An Encyclopedic Dictionary of Language and Languages*. Oxford: Blackwell.
- ----- (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. 6th ed. Oxford:Blackwell .
- Darvishiyan, A.A. (2000). *Kermanshahi-Kurdish Dictionary*. Kermanshah: Kermansh Publications [In Persian].
- Fattahi. M. (2011). *Morphological and Phonological Processes in Kalhori Kurdish*. The Factually of Persian Literature and Foreign languages. M.A. Thesis. Department of General Linguistics. Allame Tabatabaei University [In Persian].
- Ghanbari, L. (2010). *A Comparison of Kermanshahi Kurdish Dialect with the Laki of Harsin*. The Factually Foreign languages. M.A. Thesis. Department of General Linguistics. Azad Islamic University. Tehran Markaz Branch [In Persian].
- Godarzi, A.R. (2002). *Kalhor Tribe in Mashrute Period*. Kermanshah: Kermanshah Publications [In Persian].
- Jaliliyan, A. (2006). *Bashur, Kurdish- Persian Dictionary*. Kermanshah: Sobhe



Rowshan Publications [In Persian].

- Kalbasi, I. (1999). "A Comparison of Mahabad, Sanandaj and Kermanshah Kurdish". *Scientific Research Journal of Alzahra University*. No. 13-14. Pp. 59-80 [In Persian].
- ----- (1983). *Mahabad Kurdish Dialect*. Second Edition. Tehran: Institute for Cultural Studies and Humanities [In Persian].
- ----- (2009). *A Descriptive Dictionary of Iran's Language Variants*. Tehran: Institute for Cultural Studies and Humanities [In Persian].
- Kambuziya Kord-e Zafaranlu, A. & others. (2013). "A Comparison of Consonantal Phonological Processes in Lori Balagarive dialect with Standard Persian". *Language Queries Journal*. No. 13. Pp. 151-179 [In Persian].
- Kambuziya Kord-e Zafaranlu, A. (2006). *Phonology Rule-based Approaches and Their Applications in Persian*. First edition. Tehran: SAMT [In Persian].
- Kenstowicz, M. (1994). *Phonology in Generative Grammer*. Oxford: Blackwell.
- Mackenzie, D.N. (2000). *A Concise Pahlavi Dictionary*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [In Persian].
- Ogradi, W & others. (2001). *A Survey of Modern Linguistics*. Translated by: Ali Darzi. Tehran: SAMT [In Persian].
- Parsa, A. (2008). *A Comparative Study of Kurdish and Persian Proverbs*. Kordestan: Kordestan University Publications [In Persian].
- Rezaei, V. (2005). *Pishnan: The Glossary of Kalhori Kurdish Dialect*. Kermanshah: Tagh Bostan Publications [In Persian].
- Statical Center of Iran. (2010). *Statistics of Population, Family and Population of Provinces Based on Resident and Nonresident*. Elam: Elam Governor-General [In Persian].
- Torghi Ughar, H. (2000). *A Comparison on Verb Structure in Kormanji, Khorasani, Kermansahi, Mahabadi Kurdish*. M.A. Thesis. Persian Teaching. Mashhad Ferdowsi University [In Persian].